



جمعیت زنان جمهوری اسلامی ایران از آنجا که تقوا و عقیده را - که مورد تأکید مقام معظم رهبری است - دو شرط

## دیدگاههای حضرت آیت الله بجنوردی پیرامون اسلام و دامنه فعالیت اقتصادی زنان

### انسان، مالک کار خودش

به جهت اینکه فعالیت اقتصادی، پدیده کار است. انسان مالک کار خودش است. آتش لایسان الا ما سعی انسان وقتی سعی بکنند تلاش بکنند و کوشش بکنند و کار بکنند مالک نتیجه کار خودش، مالک نتیجه آن تلاش و فعالیت خودش هستند. این معنی یک مسأله عقلایی است و تمام اعم - اعم از مجامع دینی و غیر دینی، الهیون و غیر الهیون - همه این معنا را قبول دارند، این جزء فطریات است. این جزء احکام عقیده مسلم است بین تمام عقلای عالم ذات باری تعالی، که می گوید: لیس للانسان الا ما سعی نظریش این نیست که مقصود مزد است؛ انسان، طبیعت انسان است؛ اعم از اینکه می خواهد مرد باشد زن باشد. پس هرکس اعم از زن و مرد فعالیت اقتصادی داشته باشد، کار بکند و تلاش بکند حالا یا فعالیت فیزیکی باشد کار خارجی داشته باشد یا فعالیت فکری. زیرا همانطور که یک مالکیت مادی داریم در امور عینی خارجی، مالکیت معنوی هم داریم. آفرینش های فکری یک مسأله بسیار مهمی است که در دنیا مطرح است. اگر امروز کسی یک چیزی را اختراع بکند، امروز کسی یک برنامه ای را درست بکند، یک تئوری را بسازد، یک نظریه ای را ابداع بکند، این نظریه، این تئوری این حق الاختراع، این حق التالیف، این حقوقی که امروز در دنیا مطرح است همه اینها زیر مجموعه حقوق معنوی محسوب می شود و جزو آفرینش های فکری و عقلای عالم از برای آن ارزش قائلد و مالکیت قائلد و دارنده این افکار مالک آنها هست.

زمنه جو یا باشد حضرت آیت الله بجنوردی معتقد است: هرکس - اعم از زن و مرد - فعالیت اقتصادی داشته باشد، کار بکند (فیزیکی یا فکری) مالک نتیجه کار و تلاش خودش است. آنچه در آفرانه آمده است، دیدگاههای ایشان است که دو گفت و گو با تعدادی شده است.

### اشاره

فصلنامه ندا به منظور آگاهی خوانندگان از احکام شرعی و فوائده اجتماعی اسلام درباره دامنه فعالیت اقتصادی و حدود مالکیت آنان بر حاصل کار اقتصادی خویش، طی گفت و گویی با حضرت آیت الله موسوی بجنوردی دیدگاههای ایشان را در این

### بسم الله الرحمن الرحیم انسانی و مطابقت

در خصوص فعالیت های اقتصادی زنان و سپس حدود مالکیت آنها که آیا محدود و یا غیر محدود است، مقدمتاً یک بحثی را عرض می کنیم. همانطور که مرد از حیث فعالیت اقتصادی هیچگونه محدودیتی ندارد و می تواند همه گونه فعالیت اقتصادی در زمینه های مختلف داشته باشد البته به شرط اینکه آن فعالیت، فعالیت مشروعی باشد؛ از لحاظ شرعی کار خلاف نباشد و از حیث نظام حکومتی هم کار خلاف نباشد. به عین این مطالب را درباره زن هم قائل هستیم. زن هم می تواند در حدود موازین شرعی هرگونه فعالیت اقتصادی در حدود و شعاع قانون داشته باشد.

توجه به این نکته است که فعالیت اقتصادی زنان در اسلام به شرطی که مشروع و مجرب باشد، جایز است. فعالیت اقتصادی زنان در اسلام به شرطی که مشروع و مجرب باشد، جایز است. فعالیت اقتصادی زنان در اسلام به شرطی که مشروع و مجرب باشد، جایز است. فعالیت اقتصادی زنان در اسلام به شرطی که مشروع و مجرب باشد، جایز است.

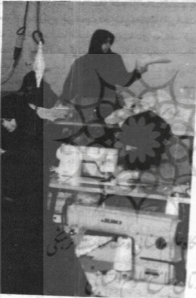
الان در دنیا فرقی بین زن و مرد نمی‌کند. یک وقت مخترع مرد است، یک وقت زن است. یک وقت کتابی را مسرد تالیف می‌کند و یا زن تالیف می‌کند. این حسن‌التالیف فرقی نمی‌کند می‌خواهد مرد باشد می‌خواهد زن باشد.

یک برنام‌ه کامپیوتری - چه سخت‌افزار و یا نرم‌افزار- درست می‌کند: می‌خواهد زن باشد می‌خواهد مرد باشد. فرق نمی‌کند ارزشی دارد این کار و آن ارزش و آن مالکیت را و مالک آن صاحب آن فکر است. بنابراین، اهم از مالکیت مادی و مالکیت معنوی هرگونه فعالیت اقتصادی که زن داشته باشد به حکم عقل مالک او است و هیچ‌گونه محدودیتی ما نمی‌توانیم برای زن قائل بشویم. بگوییم شعاع فعالیت اقتصادی در همه جا را فرا می‌گیرد اما زن، محدوددهاش تا اینجااست و همه جا را نمی‌گیرد، نه هیچ فرقی نمی‌کند. در تمام زمینه‌های اقتصادی، زن می‌تواند فعالیت بکند و طبیعتاً هرچه که از این راه تحصیل مال بکند مالک آن می‌شود. در

### لژوم در نظر داشتن حقوق زن

در این راستا، این مساله را باید عرض بکنم زن و ما یک وقتی به عنوان خود او تنها لحاظ می‌کنیم یک وقت به عنوان اینکه این زن شوهر دارد و در داخل یک خانواده است. دربارهٔ مرد هم متفق‌القولند که مرد هرگونه فعالیت اقتصادی بکند مالک آن است. هر چه مال تحصیل کند مال خودش است و هیچ‌گونه محدودیتی برای مرد نیست که حالا عضو خانواده هستند یا ویس خانواده هستند یا مدیریت خانواده را دارند بینیم از این نگاه زن را می‌توانیم محدود کنیم یا نه؟ با توجه به اینکه عضو خانواده است و شوهر دارد و همسر دارد می‌شود محدودش کرد؟ یک حقوقی در خانواده است؛ حقوق مشترک بین زوجین. زن حقی بر مرد دارد و مرد هم حقی بر زن دارد. این را اصطلاحاً می‌گویند: حقوق مشترک بین زوجین. یک حقوق اختصاصی مرد دارد نسبت به زن و یک حقوق اختصاصی زن دارد نسبت به مرد، مرد را هم اگر ما گفتیم هیچ‌گونه محدودیت فعالیت اقتصادی ندارد و در شعاع قانون و در شعاع موازین شرعی، منظور این نیست که اگر در یک جا مرد دارد فعالیت اقتصادی می‌کند حقوق زن را پایمال بکند. چون زن یک حقوق دارد نسبت به مرد و قانون می‌آید به عنوان متخلف جلوی مرد را می‌گیرد و می‌گوید فعالیت اقتصادی تو تا این مرز است که حقوق زن سلب نشود. باید زن به حقوق خودش برسد و شما هم فعالیت اقتصادی‌تان را ادامه بدهید. به عین این حرف را در مورد زن می‌زند زن

- اینکه بعضی‌ها میل دارند بگویند اذن شوهر در صحت تصرفات زن دخالت دارد هیچ دلیل فقهی ندارد؛ نه دلیل عقلایی دارد و نه دلیل فقهی. اموالی که خودش تحصیل کرده، مال خودش است. وقتی که اموال مال خودش است آزادی اراده و آزادی تصرف دارد و هیچ چیز نمی‌تواند جلوی آن آزادی تصرف را بگیرد.



- هرکس - اعم از زن و مرد - فعالیت اقتصادی داشته باشد، کار بکند و تلاش بکند؛ حالا فعالیت فیزیکی یا فعالیت فکری باشد مالک نتیجه کار و تلاش و فعالیت خویش است.

هم که ما می‌گوییم فعالیت اقتصادی محدود نیست در شعاع این است که حقوق مرد پایمال نشود؛ چون مرد اینجا یک حقوق نسبت به زن دارد. آن حقوق زوجینی که مرد نسبت به زن دارد آن مقدار از حقوق مرد نسبت به زن را مستثنی است. اگر زن بخواهد می‌تواند فعالیت داشته باشد که هیچ منافاتی با حقوق زوجیت هم ندارد. نه اینکه می‌گویند غیر محدود است نسبت به زن در این شعاع، عرض می‌کنم هم‌چنان که در مورد مرد هم همین‌طور است.



مالکیت غیر محدود زن

● در تمام زمینه‌های اقتصادی، زن می‌تواند فعالیت بکند و طبیعتاً هر چه از این راه تحصیل مال کند مالک آن می‌شود.

مالکیت غیر محدود زن به این معنا گسترش فعالیت اقتصادی هر دو محدود است به یک شکل محدود و یکی شکل غیر محدود. محدودودیش به اعتبار عدم مزاحمت نسبت به حقوق هم‌دیگر و غیر محدود بودنش به اعتبار این است که گسترش فعالیت اقتصادی در زمینه‌های مختلف غیر محدود است و هرگونه فعالیت را می‌توانند انجام دهند. چون نتیجتاً وقتی ما آدمیم گفتیم که فعالیت اقتصادی زن از این حیث غیر محدود است و این اجازه به او داده شده و مالک کارش هم هست دو نتیجه، مالکیتش هم غیر محدود است، هم چنانکه خود مرد مالکیتش غیر محدود است. از طرق شرعی و از طرق قانونی، مرد هر مقدار که ثروت تحصیل بکند مالک ثروت خودش است همین حرف را به عینۀ درباره زن می‌گویم؛ زن هم هرگونه ثروتی تحصیل بکند که طبق موازین شرعی و در شعاع قانون باشد مالک اموال و ثروت خودش است. تازه با این فرض که مرد نفقه خانواده را باید بدهد نفقه زن، نفقه اولاد و در بعضی جاها نفقه پدر و مادر را باید بدهد. در حالی که ما می‌بینیم زن این مسؤولیت را هم ندارد یعنی تمام درآمد خودش را می‌تواند برای خودش نگاه دارد. البته حالا می‌خواهند کمک بکنند در مخارج خانه به یک دیگری است و جزو مسؤولیتش نیست. گرچه من اینجا باز حالا نمی‌خواهم بحث بکنم فقط می‌خواهم پرازنز باز بکنم. جای این است که بحث بکنیم که آیا در یک جامعه این چنینی که زن فعالیت اقتصادی است غیر محدود و دوش به دوش مرد گسترش دارد و مالکیتش غیر محدود است، باید بگویم نفقه با مرد است یا نه؟ اینجا باید ما نفقه را تمثیل کنیم ولی شما می‌بینید اگر موازین شرعی در کار نبوده طبع قضیه این است که نفقه باید بر دوش مرد باشد.

اگر زن و شوهر مکمل هم‌دیگر هستند نسبت به اداره خانواده، طبع قضیه این است که مردو باید با هم این خانواده را بپرسانند. پس جای بحث است که نفقه چیست؟ همان خورد و خوراک و لباس یا مایحتاج زن و مایحتاج فرزندان است؟ نفقه، اگر از نفق گرفتیم یعنی آن خلاصه، یعنی تمام احتیاجات زن آبا الان تمام این مسؤولیت با مرد است در جامعه کنونی، که زن هم اشتغال تام دارد و فعالیت اقتصادی گسترده دارد؟ این مسأله‌ای است که باید فقها و بزرگان در اطراف آن بحث کنند.

**تأمین نفقه توسط مرد و زن**

خانم‌هایی که اشتغال دارند، کارمندند در ادارات دولتی، قانون به آن مقدار که از حقوقشان هرماه کسر می‌شود یک مقدار هم خود دولت در بودجه عمومی همیشه در ردیف بودجه می‌گذارد، یک مقدار خود دولت، یک مقدار خود طرف و مجموعش این است که در یک جایی به عنوان ودیعه گذاشته می‌شود که بعد از بازنشسته شدن باید به آن طرف داده شود. البته، کاری به زن و مرد ندارم و فعلاً می‌خواهم بحث فقهی و حقوقی آن را بکنم. آیا این پولی که در صندوق بازنشستگی گذاشته می‌شود این مال خودش است، چون وقتی که از حقوق کسر می‌کنند مبلغی از مال او را برمی‌دارند و آنجا می‌گذارند. دولت هم «هبه» دارد می‌کند الان و فعل الحقیقه دارد تسلیم می‌کند. دولت وقتی که یک مقدارش را می‌دهد یک «هبه» قانونی می‌کند به همه کارمندان زیر مجموعه خودش. مجموع مال کارمند «هبه» دولت را در یک صندوق می‌گذارند که این فعل الحقیقه مال اوست؛ مال او حساب می‌شود. خوب، وقتی که مال او بود طبق موازین شرعی هم این را باید به طرف بدهند. لذا اگر باز خرید بشود همه این را یک جا به او می‌دهند و اگر هم بازخرید نشود و بخاوند بازنشسته شود تابع سلاطت خدمتشان، اگر برای ۲۰ سال خدمت، ماهی ۲۰ روز به او می‌دهند، و اگر ۳۰ سال بود یک ماه کامل می‌دهند بسته به این است که آن کارمند چند سال خدمت کرده است. بنابراین از این حیث، زن و مرد فرق نمی‌کند چون پول آنها در این صندوق گذاشته شده و دولت هم «هبه» می‌کند. «هبه» به کسی می‌کند؟ واقعش این است که این مسأله را باید بدانیم آبا برای بازنشستگی زنها هم دولت «هبه» می‌کند یا نه؟ اگر پس از بازنشستگی «هبه» می‌کند این برخلاف موازین شرعی است زیرا اوله ارب می‌گوید ساتونکن میت من حق او مال و الوالته این مال حقیقتاً مال متوفی

ع زنا و اهدا - رضایع  
رضایع متعالیه - ماهیه  
ع نضایع متعالیه فصل  
نیمالعاله فله نضایع فصل  
رضایع متعالیه لی رضایع  
ع زنا حقیقه فله نضایع  
نیمالعاله و رضایع  
نیمالعاله فصل



● زن هرگونه ثروتی طبق موازین تحصیل بکند مالک آن است، با این فرض که مرد نفقه خانواده را باید بدهد در حالی که زن این مسوولیت را ندارد و می‌تواند تمام درآمد خودش را برای خودش نگاه دارد.

● اگر زن بخواهد می‌تواند فعالیت اقتصادی داشته باشد هیچ منافاتی با حقوق زوجیت ندارد.

زاده و آزادی تصرف در اموال را بگیرد. طبق همان اطلاعات و سنجحات اولیه این است که الناس مسلطون علی اموالهم عدل سلطنت یک قاعده‌ای است مورد قبول تمام عملائی عالم، از این قواعدی است که تمام مکاتب حقوقی دنیا قبولش دارند. استثنا هم ندارد، اسلام قبول دارد این را بعنوان روایت از پیغمبر اکرم (ص) که نقل شده نظام‌های حقوقی دنیا، ابعاد مختلف قاعده سلطنت را قبول دارند. خوب، همانطوری که مرد قاعده سلطنت دارد زن هم قاعده سلطنت دارد. الناس مسلطون علی اموالهم کسی که سلطنت بر اموال خودش دارد می‌تواند ببخشد، می‌تواند «هبه» بکند، می‌تواند معامله بکند، می‌تواند تجارت بکند، هرکاری را می‌تواند بکند. آن طور نیست که اگر بخواهد «هبه» بکند به کسی، یا ببخشد، بکند، تجارتی بکند، باید از کسی اذن بگیرد. عرض کردم به شما این مسئله سفیه و مجنون و صغیر جهش این است. آنها چون مجنونند استقلال در تصرف ندارند و قاعده سلطنت بر ایشان جاری نمی‌شود و گرنه، اگر آن حالات نبود هیچ چیزی جلوی قاعده سلطنت را نمی‌تواند بگیرد.

است. این مالی که الان در صندوق بازنشتگی است مال متوفی است. حالا متوفی می‌خواهد مرد باشد می‌خواهد زن باشد فرق نمی‌کند و اگر واقعاً قانونی هست اینجا که به زنها نمی‌دهد من اینجا درخواست می‌کنم از مجلس شورای اسلامی، آن نمایندگان متعهدی که اینجا هستند و اسلام شناس هستند و همچنین شورای محترم نگهبان این مسئله را بررسی بکنند. این به نظر می‌آید خلاف شرع است.

### آزادی زن در تصرف اموال خویش

اگر صندوق بازنشتگی به زنها ندهد و بگوید ورثه مرد است چه فرقی می‌کند چون از مال خود زن کم کردند و در صندوق گذاشتند دولت هم که بهشان «هبه» کرده است. پس این مال، مال اوست و اطلاعات ادله اوست می‌گیرد در اینجا. ماترکین میت من حتی او مال ولوارته میت می‌خواهد مرد باشد می‌خواهد زن باشد.

همانطور که عرض کردم زن وقتی که گسترش فعالیت اقتصادی در عرض و اندازه مرد است و هیچ‌گونه محدودیت ندارد در بعد استقلال مالی و تصرف نیز همین‌طور است؛ یعنی استقلالی در تصرف اموال خودش دارد بدون اینکه از کسی اجازه بگیرد چون می‌تواند تا مادامی که انمان مهجور است استقلال ندارد و باید از ولی خودش اذن بگیرد مثل صغیر یا سفیه یا افراد خاص که برای آنها دلیل خاص داریم. قانون هم مسئله را ذکر کرده که اینجا استقلال در تصرف مال خودشان ندارند. اینجا با صلاحدید ولی خودشان می‌توانند تصرف بکنند، اما نسبت به زن این چنین نیست. زن که ولی نمی‌خواهد زن که مهجور نیست مجنون سفید نیست این مسائل که نسبت بنابرین از این حیث چه فرقی با مرد دارد؟ همانطور که او ولی نمی‌خواهد زن هم ولی نمی‌خواهد. اینکه در بعضی اذهان رفته و بعضیها میل دارند بگویند در اینجا اذن شوهر در صحت تصرفات زن هیچ دلیل فقهی ندارد نه دلیل عقلایی دارد نه دلیل فقهی دارد، اموالی که خودش تحصیل کرده مال خودش است. وقتی که اموال مال خودش است آزادی تصرف دارد هیچ چیزی نمی‌تواند جلوی آن آزادی تصرف را بگیرد.

مگر اینکه از طرف شارع مقدس دلیل قوی می‌آید و قانونگذار می‌گفت زن آزادی تصرف در اموال خودش را ندارد مگر با اذن شوهر، خوب، اگر دلیل قوی داشتیم تعبداً قبول می‌کردیم یعنی برخلاف حکم عقلایی است. اما چنین چیزی هم ما نداریم وقتی که ما چنین چیزی را نداریم نباید یک دلیل قوی بیاید جلوی آزادی